نگاه

کمک نظامی پاریس به اوکراین

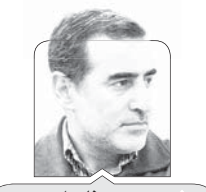

محمود فاضلی
دیپلمات پیشین و تحلیلگر امور بین‌الملل

در اجلاس بین‌المللی پاریس با هدف کمک به اوکراین، فرانسه خواستار «خیزش متحدان» به نفع کی‌یف شد. از دیدگاه مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، اکنون زمان خیزش همگانی و اتخاذ تصمیماتی بزرگ برای انجام اقدامات بیشتر است. برای اطمینان از اینکه پوتین نتواند آنچه را که در اوکراین ساخته شده، ویران و تهاجمش را به دیگر کشورها گسترده کند، اوکراین به کمک غرب احتیاج دارد. روسیه رویه تهاجمی را نه‌فقط علیه اوکراین؛ بلکه در برابر همه ما در پیش گرفته است. ما قصد داریم حمایت درخواستی رئیس‌جمهوری اوکراین را گسترش دهیم. بر این باور هستیم که شکست روسیه امری اجتناب‌ناپذیر برای امنیت و ثبات در اروپا است. مکرون اعزام نیروهای غرب در آینده برای این منظور را منتفی ندانست؛ اما مدعی شد برای اعزام نیرو برای پشتیبانی از نیروهای زمینی به طور رسمی توافقی انجام نشده است. مکرون در سخنانش «اقدامات دفاعی سایبری، تولید مشترک تسلیحات و مهمات در داخل خاک اوکراین، ادامه دفاع از کشورهایی مانند اوکراین و همچنین مولداوی را که مستقیما مورد حمله قرار گرفته‌اند، تقویت ظرفیت‌های اوکراین برای دفاع از خود در مرزهایش با بلاروس و عملیات مین‌زدایی» مورد توافق مسئولان اروپایی قرار گرفته است. به گفته مکرون، ائتلافی برای تأمین بمب و موشک با برد کوتاه و متوسط تشکیل شده است. ما این شانس را داریم که در آن سوی دنیا، افرادی هستند که به ما کمک کنند؛ ولی اگر فقط به فکر اتکا بر آنها باشیم، اشتباه کرده‌ایم. این یک جنگ اروپایی است و ما باید از پیش آماده خروج آمریکا از آن باشیم. آیا ما باید آینده خود را به رأی‌دهندگان آمریکایی گره بزنیم؟ جواب من منفی است. فرق نمی‌کند رأی آنها چه باشد. نباید منتظر نتیجه رأی‌گیری انتخابات در آمریکا باشیم». به باور مکرون، «ما باید بیشتر کار کنیم. اگرچه به‌تازگی سه میلیارد یورو کمک نظامی در قالب دوجانبه به اوکراین اختصاص یافته است. در جولای ۲۰۲۳ در اجلاس ناتو در «ویلنیوس» ۳۲ کشور متعهد شدند توافق‌نامه‌های امنیتی دوجانبه با اوکراین امضا کنند؛ ولی تا به حال فقط شش توافق اجرائی شده است. مهم است که این روند ادامه یابد و تأمین اعتبار از سوی ما افزایش یابد. تا الان هشت توافق هم درباره ظرفیت‌های عملی با اوکراین امضا شده‌اند که یکی از آنها به آموزش خلبان‌های اوکراینی برای پرواز با هواپیماهای اف-۱۶ و یک مورد هم به آموزش استفاده از توپخانه (از طریق فرانسه) مربوط است. مکرون با وجود تأکید بر اینکه روسیه نباید در این جنگ پیروز شود، باز هم مخاطبان خود را در برابر یک «ابهام استراتژیک» قرار داد و تأکید کرد «اگر اوکراین به ناتو ملحق شود و تلاش کند کریمه را با قدرت نظامی پس بگیرد، این به معنای آن است که کشورهای اروپایی نیز به طور خودکار به جنگ با روسیه کشیده می‌شوند». سخنان مکرون با واکنش‌های بسیاری روبه‌رو شد. ژان لوک ملانشون، رئیس حزب فرانسه «نافرمان» (چپ افراطی)، با غیرمسئولانه خواندن سخنان مکرون تأکید کرد «جنگ با روسیه یک دیوانگی است». مارین لوپن، رئیس حزب «تجمع ملی» (راست افراطی) نیز اظهارات مکرون را «جنگ‌طلبانه» خواند. شرکت‌کنندگان در اجلاس از ابتکارات پیشنهادشده از سوی جمهوری چک حمایت کردند. این ابتکار خرید مهمات از بیرون از اتحادیه اروپا را پیشنهاد می‌دهد. نخست‌وزیر چک تأکید دارد «ابتکار چک مورد حمایت گسترده کشورهای حاضر قرار گرفت. ۱۵ کشور برای پیوستن به این ابتکار اعلام آمادگی کرده‌اند». نخست‌وزیر هلند نیز تأیید کرد که کشورش با مشارکت در طرح نخست‌وزیر چک موافق است و صد میلیون یورو برای آن اختصاص می‌دهد. روبرتو فیکو، نخست‌وزیر اسلواکی نیز اعتقاد دارد: «چندین دولت عضو ناتو و اتحادیه اروپا قصد دارند نیروهایی را در قالب مناسبات فی‌مابین به اوکراین بفرستند. ما در توافقات دوجانبه احتمالی بین کشورهای عضو ناتو و اتحادیه اروپا مبنی بر اعزام نیروی زمینی به اوکراین، ریسک بزرگی برای امنیت در اروپا می‌بینیم». البته آلمان، انگلیس، اسپانیا، مجارستان، لهستان، چک، اسلواکی و سوئد با اعزام نیروی نظامی به اوکراین مخالف هستند. اسلوونی مدعی است در اتحادیه اروپا اجماعی درباره این مسئله وجود ندارد و برخی از اعضا به امکان نقش فعال‌تر برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا اشاره کرده‌اند؛ ولی بین شرکا اجماعی در این زمینه وجود ندارد. به گفته وزیر دفاع اسلوونی، در وزارت دفاع هیچ‌گونه فعالیتی در این راستا وجود ندارد. بسیاری معتقدند تماس مستقیم بین نیروهای ناتو و روسیه می‌تواند به معنی افزایش خطر شروع درگیری باشد. مکرون مسیر جدیدی را در حل وضعیت امنیتی پیشنهاد داد که مربوط به اعزام نیرو است. اعزام نیرو به اوکراین در حالی مطرح می‌شود که چند سناریو در این زمینه وجود دارد. در سناریوی اول که اجرای آن بسیار دشوار است، اعزام نیرو برای کارهای غیرجنگی در پشت جبهه است. چنین موردی لزوما به معنای تماس نیست که سبب شود روسیه به عملیات اوکراین با حملات عمقی پاسخ دهد. گزینه دوم، اینکه نیروها مستقیما در خط مقدم مستقر شوند که تماس مستقیم خواهد بود. احتمال سوم، اعزام غیرمستقیم نیروهای نظامی است. از نظر تئوری این امکان نیز وجود دارد که کشورهای غربی نیروهای داوطلبانه را تشکیل دهند.

مصدق و حاکمیت قانون

ادامه از صفحه ۱

مصدق معتقد بود «پادشاه مشروطه کسی است که در امور دولت مداخله نکند تا هیچ‌کس با او مخالف نباشد... مملکت مشروطه باید از مملکت مشروطه اصلی تقلید کند که انگلستان است...» (مجلس شانزدهم، ۴ خرداد ۱۳۲۹). فرزند مصدق نیز در چند جا در خاطراتش تصریح کرده که «پدرم اصولا طرفدار حکومت مشروطه سلطنتی از نوع مشروطه انگلستان بود» (غلامحسین مصدق، ص، ۷۶). مصدق بسیار جلوتر در کتاب «اصول و قواعد مالیه...»، چاپ ۱۳۰۴، نشان داده بود که دموکراسی پارلمانی مطابق شیوه انگلیس را بهترین روشی می‌داند که برای کشورداری ابداع شده است. از نظر مصدق هدف مشروطه و نظام پارلمانی «سلب خودسری از شخص همایون» بود و مجلس به‌عنوان تبلور حاکمیت ملی مطابق اصل ۲۶ متمم قانون اساسی باید دولت را با رأی تمایل روی کار می‌آورد و مطابق اصل ۶۷، عزل «هیئت وزرا» منحصرا در صلاحیت مجلس و در صورت «اظهار عدم رضایت» بود و مانند نظام‌های پارلمانی دیگر کشورها، فرمان شاه مطابق اصل ۴۶ تنها جنبه تشریفاتی داشت. مصدق با تأکید بر اصل «شاه سلطنت می‌کند نه حکومت»، حفظ احترام شاه را موکول به خودداری او و خانواده‌اش از مداخله در کار دولت می‌دانست. شاید قبل از او تنها امیرکبیر کوششی بی‌سرانجام برای کوتاه‌کردن دست خانواده شاه از امور کشور کرده بود. مصدق بعد از تصدی دولت، عادت تشکیل هیئت دولت در روزهای دوشنبه در حضور شاه را متوقف (تقریرات ص ۱۴۶) و ملاقات شاه با سفرای خارجی خارج از کانال وزارت خارجه و بدون حضور یک مقام ارشد وزارت خارجه را منع کرد، (سپهر ذبیح، ص. ۱۰۹) با این حال، مصدق از آنجا که می‌کوشید از کشمکش‌های داخلی به‌ویژه در جریان بحران نفت جلوگیری کند، همواره به شاه اطمینان خاطر می‌داد و تشریفات سلطنتی را به‌طور کامل رعایت می‌کرد. ازجمله در فردای قیام ۳۰ تیر در ملاقات با شاه که روحیه خود را باخته بود، کوشید تا به او روحیه دهد، در رسانه‌ها از او تمجید کرد و کوشید تا تظاهر کند که شاه در قضایای منتهی به قیام ۳۰ تیر بی‌تقصیر بوده است و به او کتبا در پشت قرآن تضمین داد که هرگز علیه سلطنت اقدام نکند.

۳- حاکمیت ملی

اصل ۲۶ متمم قانون اساسی مشروطه با تأکید بر اینکه «قوای مملکت ناشی از ملت است»، ملت را تنها منشأ مشروعیت‌بخشی به قوای سه‌گانه می‌دانست. یکی از وجوه معنایی این اصل این بود که دخالت هر قدرتی یا عاملی غیر از اراده ملی در امور کشور در حکم نقض حاکمیت ملی است. این اصل از نظر مصدق مبنای ملی‌کردن صنعت نفت بود. او همواره تأکید داشت که در قضیه نفت اهداف سیاسی و اخلاقی از اهداف اقتصادی مهم‌تر است. تأمین استقلال و تحقق حاکمیت ملی دلیل اصلی اصرار مصدق بر ملی‌کردن صنعت نفت بود. قرارداد دارسی ماهیتا یک امتیاز استعماری انحصاری و ناقض حاکمیت ایران در منطقه موضوع امتیاز و سراسر کشور بود. این ماهیت در قرارداد خسارت‌بارتر ۱۳۱۲ که در زمان رضاشاه و قرارداد کنسرسیوم که بعد از کودتای ۲۸ مرداد جایگزین قرارداد دارسی شدند، باقی ماند. با این تفاوت که قرارداد کنسرسیوم تلاش داشت تا با جعل واژه‌های پیچیده «واقعیت امتیاز را زیر نقاب بیع پنهان کند» (م.ع. موحد، ص. ۳۷۱). آنچه برای مصدق مهم‌تر از ابعاد اقتصادی مسئله نفت بود، این بود که انگلیس

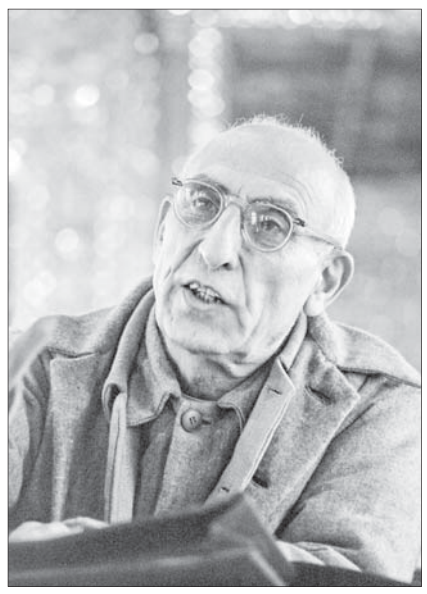

برای حفظ قرارداد بسیار پرسود نفت، در سیاست ایران دخالت می‌کرد و محور انسجام ائتلاف دربار و اشرافیت سنتی و ارتش و تلاش آنها برای جلوگیری از انتخاب نمایندگان واقعی مردم بود. هیچ عرصه‌ای از حیات ملی اعم از انتخابات، مطبوعات، عزل و نصب مقامات، سیاست‌های داخلی و برنامه‌های توسعه از مداخله انگلیس برکنار نبود. به قول حسین مکی در مصاحبه با تاریخ شفاهی هاروارد «به‌طورکلی کسانی که با انگلیسی‌ها طرف می‌شدند، طرد می‌شدند. در دوران ملی‌شدن نفت، قبل از اینکه ما به خوزستان برویم و کادر آنجا را عوض کنیم، همه افراد حتی وکلای آن منطقه بدون موافقت انگلیسی‌ها به جنوب نمی‌رفتند». به‌علاوه، برخلاف تصور برخی، شرکت نفت انگلیس و ایران یک شرکت خصوصی شفاف و رقابتی نبود. این شرکت نفت نیروی دریایی انگلیس را با تخفیف به ضرر ایران تأمین می‌کرد و دولت انگلیس با داشتن ۵۱ درصد از سهام شرکت، کنترل کامل بر تصمیمات آن داشت. در مقابل، ایران مطلقا هیچ کنترلی بر دفاتر شرکت و حساب‌های شرکت نداشت و برای حسن اجرای قرارداد و پرداخت درست حق‌الامتیاز ایران هیچ ضمانت اجرائی وجود نداشت. از نظر مصدق مادام که صاحبان امتیازات خارجی در ایران فعال بودند، هر تلاشی برای حاکمیت ملی، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد محکوم به شکست بود.

۴- کنترل دموکراتیک بر نیروهای مسلح

کنترل دولت منتخب و پاسخ‌گو بر نیروهای مسلح و اجتناب از حکومت دو بُنی همیشه مورد تأکید مصدق بود. او می‌گوید: «والیگری فارس را پذیرفتم، چراکه قشون ایالت تحت فرمان من بود» (مصدق، عرض جواب، ص ۷). او در این مقام توانست امنیت را در فارس برقرار کند (ایرج افشار ص ۲۵۸ و کی استوان، ص ۸۰). مصدق در دولت مشیرالدوله (بهمن ۱۳۰۰-خرداد ۱۳۰۱) که قشون متمرکز تحت امر رضاخان قرار گرفته بود، پذیرش والی‌گری آذربایجان را مشروط به اطاعت امیر لشکر آذربایجان از والی کرد. نظر به رابطه خوب مصدق با رضاخان این شرط پذیرفته شد و رضاخان سرلشکر جهانبانی را موظف به اطاعت از مصدق کرد. اما با تغییر نظر رضاخان، مصدق در ۲۰ تیر ۱۳۰۱ «به عذر مداخله قشون در امر ایالتی و عدم مشورت با والی» استعفا داد (بهار، ج ۱، ص ۳۱۰ و ۲۶۵). اوج این سیاست اصولی مصدق را در مقام نخست‌وزیری او در ۲۶ تیر ۱۳۳۱ شاهد بودیم؛ آنجا که به شاه گفت یا خود عهده‌دار وزارت جنگ می‌شود یا استعفا می‌دهد. او در پی مخالفت شاه استعفا داد و قیام ۳۰ تیر نتیجه آن استعفا بود. مصدق با استناد به عضویت وزیر جنگ در دولت و مسئولیت دولت در برابر مجلس، تطبیق اصول قانون اساسی با هم، یادآوری اصول ۱۰۴ تا ۱۰۷ متمم قانون اساسی و نیز سابقه اقدام مجلس پنجم به دادن فرماندهی کل قوا به رضاخان، نخست‌وزیر وقت، در ۲۵ بهمن ۱۳۰۳ (مکی، تاریخ بیست‌ساله، ج۳، ص۳۳۰) معتقد بود شاه که از مسئولیت مبرا است، حق فرماندهی عملی بر ارتش را ندارد و فرماندهی شاه بر ارتش نیز مانند سایر شاهان کشورهای مشروطه صرفا جنبه تشریفاتی دارد. این امر به‌ویژه برای مصدق از نظر مداخله امیران لشکر در انتخابات استان‌ها اهمیت داشت. شاهان پهلوی همیشه از انتخابات مجلس پنجم (بهار، جلد ۱، ص ۳۵۴) به بعد عمدتا از طریق امیران لشکرها اکثریت مجلس را از طرفداران خود گماردند و مشروطه را از معنی تهی کردند. فساد ناشی از حکومت دو بُنی از نظر مصدق عدیده بود که خارج از حوصله این مختصر است.

۵- مبارزه با فساد

مصدق معتقد بود که در رژیم‌های خودکامهِ مادام‌العمر که قدرت ورای قانون اعمال می‌شود، مقامات عالی‌رتبه یا خواناخواه به فساد مالی و اداری آلوده می‌شوند یا مجبورند بر فساد بالادستی‌ها و پایین‌دستی‌ها سرپوش نهند. زیرا قدرت و ثروت در جوامع استبدادزده دو روی یک سکه‌اند. او منتقد وضعیتی بود که امنیت در راه‌ها برقرار شود اما هم‌زمان مقامات کشوری و لشکری دارای تملک سرشار و املاک بی‌شمار شوند و شاه مملکت بتواند سند مالکیت پنج‌هزارو۶۰۰ رقبه را به اسم خود کند (تقریرات، ص ۷۵). او اول بار زمانی که معاون وزارت مالیه بود، معترض برخی از رؤسای فاسد مالیه شد که سلسله محاکماتی را در پی داشت (ایرج افشار، ص ۲۰۲). بعد از اینکه قوام او را با هدف ایستادگی در برابر خواسته‌های فزاینده سردار سپه وزیر مالیه کرد، با هدف رهانیدن مالیه کشور از عناصر فاسد اختیارات سه‌ماهه‌ای درخواست کرد. در این مقام، به قول عبدالله مستوفی، «مصدق بی‌محابا اشخاص مظنون به اختلاس را تحت تعقیب قرار داد ... ولی به‌واسطه گرگ‌های باران‌دیده مالیه و کمی اختیارات نتوانست کار حسابی صورت دهد» (مستوفی. ج۳. صص ۴۶۸ و ۳۷۵). او در این سمت از جمله ۱۰ هزار تومان از ماهی ۴۰ هزار تومان بودجه دربار و چهار هزار تومان از ماهی ۱۴ هزار تومان حقوق ولیعهد کسر کرد. مصدق در مجلس چهاردهم نیز پیگیر اتهامات سهیلی نخست‌وزیر و تدین وزیر خواروبار شد و در پی مخالفت اکثریت مجلس، مجلس را «دزدگاه» خواند و مدتی به مجلس نرفت (تقریرات، ص ۱۳۱). مصدق همچنین ضرر فساد اداری را از فساد مالی بیشتر می‌دانست. به همین دلیل، او با وجود اصرار دایی‌اش، فرامانفرما، که در ۱۲۹۴ رئیس‌الوزرا شد، نپذیرفت که در کابینه او وزیر مالیه شود. حرفش این بود که در کابینه‌ای که رئیسش خویشاوند او باشد، نمی‌تواند خدمت کند (تقریرات. ص. ۴۴ و کاتوزیان، ص ۴۱).

تفصیل منابع در روزنامه محفوظ است.

گریز از گسست ژئوپلیتیک

ادامه از صفحه ۱

مزیت‌های سرزمینی فقط در صورت تنیده‌شدن در حسن هم‌جواری، تنش‌زدایی، برخورداری از گرایش‌های بشردوستانه و داشتن رویه توسعه‌گرا و پویا در فهرستگان قابلیت‌های ژئوپلیتیک جای می‌گیرد.

در غیراین‌صورت تکیه بر مزیت گذرگاهی به اجماع منطقه‌ای علیه منافع ملی خواهد انجامید. و در نهایت گستره فشارهای منطقه‌ای تمایل به گستره وسیع‌تری تا حد انزوای جهانی خواهد داشت. در جهان امروزین مزیت‌های ژئوپلیتیک شاخص‌های نوینی پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که یکی از این شاخص‌ها بهره‌مندی از پاسپورت قدرتمند است. به این گونه مفهوم سنتی مزیت‌های ژئوپلیتیکی از تکیه صرف بر عوامل سرزمینی دور شده و با عوامل فرهنگی و اقتصادی درآمیخته است. دیپلماسی کارا قابلیت‌های سرزمینی را با سازوکارهای برخاسته از روابط سیاسی قدرتمند و صلح‌جویانه به کار می‌گیرد. استفاده توسعه‌گرا از منابع انرژی و مزیت‌های سرزمینی تنها در چشم‌اندازی از صلح و آرامش امکان‌پذیر است.

دیپلماسی انعطاف شگفت‌انگیزی دارد. گاهی مزیت‌های سرزمینی یک کشور را دور زده و انرژی را از سرزمین‌های دورتری به بازار می‌برد. هنگامی که جریان دیپلماسی جهانی تا این حد انعطاف دارد، چرا ما نباید دیپلماسی دوراندیشانه و منعطفی داشته باشیم. قابلیت‌های سرزمین‌ها تنها در پناه دیپلماسی خردمندانه به بار می‌نشیند. جهان با آمایش نوین ژئواستراتژیک روبه‌روست. در چنین شرایطی همه مفاهیم کهن ازجمله مزیت‌های سرزمینی دچار تحول مفاهیم شده است. پافشاری بر مزیت‌های نسبی سرزمینی در زمینه ژئوپلیتیک بدون در نظر داشتن مفاهیم نو گسست ژئواستراتژیک در پی خواهد داشت که نتیجه آن خروج از گردونه سیاسی-اقتصادی حاکم بر جهان است.

ادامه از صفحه اول

مصونیت برای گزارشگران فساد

با تأمل در مراحل سه‌گانه می‌توان گفت گزارشگران فساد در هر سه مرحله از فعالیت خود نیازمند حمایت مؤثر دولت هستند تا بتوانند در جریان مبارزه ملی با پدیده فساد مشارکت داشته باشند.

در مرحله اول نهادهای دولتی و عمومی باید ملزم شوند تا اطلاعات و گزارش عملکرد خود را به‌صورت شفاف و به‌روز ارائه کنند تا بررسی‌های پژوهشگران و جویندگان موارد فساد آسان‌تر انجام بگیرد و آنان برای گردآوری اطلاعات و یافتن موارد تضییع حقوق اجتماعی ناگزیر از عبور از «خط قرمز»ها (از نوع تلاش برای دسترسی به اسناد محرمانه) نشوند.

در مرحله دوم گزارشگر بناست براساس اطلاعاتی که لزوما کامل و جامع نیست، به داوری بپردازد و طبعا بروز اشتباه از جانب او بعید نیست.

به بیان دیگر او یا باید به بهانه نقص اطلاعات پرونده را کنار بگذارد یا با همان اطلاعات ناقص پیش برود و ادعایی را علیه فرد یا افرادی مطرح کند که ممکن است نادرست باشد. سخت‌گرفتن بر گزارشگران در این مرحله هزینه‌ای سنگین را به جامعه تحمیل می‌کند و گزارشگران را به سمت بی‌عملی سوق می‌دهد.

در مرحله سوم گزارشگر باید در انتخاب شیوه ارائه اطلاعاتش آزادی انتخاب داشته باشد تا متناسب با قدرت شبکه فساد و ارتباطات گسترده آن شبکه، مسیر مناسب رسیدگی به پرونده را انتخاب کند. ارجاع گزارشگر به نهادهای رسمی ممکن است معنایش فقط شکایت‌بردن از متهم به خود او باشد!

بی‌تردید در هر سه مرحله افراط و تفریط‌هایی در میدان عمل مطرح خواهند شد که پرداختن بدان‌ها فرصتی بیشتر می‌طلبد. اما آنچه روشن است، این است که جامعه و دولت باید به‌جای سخت‌گرفتن بر گزارشگران فساد و تلاش برای مهار آنان، با آنان از در مدارا و همراهی وارد شود و با مشاهده کوچک‌ترین اشتباه به‌ویژه در مرحله دوم، با یک حرکت اشتباه حریف، آنان را به مراجع قضائی احضار نکند؛ چنین مدارایی لازمه بهره‌مندشدن جامعه از این ظرفیت عظیم اجتماعی است که می‌تواند سرمایه و سلاحی در میدان مبارزه با فساد باشد.

در یادداشت‌های بعدی بازهم به این پرونده خواهم پرداخت.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت صنایع فلزی سه¬گام (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۵۹۸۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۴۸۶۵۳ دعوت به عمل می¬آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در ساعت ۹ صبح چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ در محل قانونی شرکت تشکیل می شود حضور بهم رسانید.

دستور جلسه مجمع فوق العاده:

۱ـ نقل و انتقال سهم الشرکه (طبق حکم دادگاه)

۲- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می¬باشد.

هیئت مدیره

آگهی مفقودی برگ سبز خودرو

برگ سبز خودرو پژو آردی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ایران ۱۵ ۷۵۹ الف ۱۱ به رنگ یشمی تیره به شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۰۰۸۵۷ و شماره شاسی ۱۳۴۰۳۵۰۱ به مالکیت اداره کل بهزیستی آذربایجان شرقی به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۸۷۰۵۱ صادره از تبریز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

اداره کل بهزیستی آذربایجان شرقی ۸۲۸۰

«آگهی فقدان گواهینامه موقت پایان تحصیلات»

گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب نرگس نقوی فرزند نصرالله به شماره شناسنامه ۱۳۷۵۳ صادره از تهران در مقطع کارشناسی در رشته نقاشی صادره از واحد دانشگاهی سوره به شماره ۱۳۲۷۵/ص/۴۳۴ مورخ ۹۷/۱۱/۲۸، مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه سوره به نشانی خیابان آزادی بین خوش و آذربایجان ارسال نماید.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

بدین وسیله اعلام می‌گردد دو برگ قبض انبار گمرک متعلق به **شرکت ایلیا الکترونیک سیستم** به شماره های ۴۰۰۱۰۰۱۰۰۱۹۸۸۸۹ و ۴۰۰۱۰۰۱۰۰۲۰۱۵۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و کارت **خودرو پراید جی تی ایکس آی** رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۸۴۴ د ۸۷ ایران ۴۷ و شماره موتور ۲۹۶۵۷۷۰ و شماره شاسی S1412288986538 به نام **فاطمه مشتاقی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب عاقله بیگم فهیمی** فرزند عبدالرزاق به شماره گذرنامه ۰۲۴۸۸۲۸۴ صادره از کابل در مقطع کارشناسی رشته زیست شناسی گرایش عمومی صادره از واحد دانشگاهی پیام نور مرکز قم با شماره ۹۴۹۷۶۲۱۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه پیام نور واحد مرکز قم به نشانی قم، پردیسان، دانشگاه پیام نور مرکز قم ارسال نماید.

پروانه تردد سالیانه **خودروی سواری BMW** تیپ 530I مدل ۲۰۱۷ به رنگ مشکی متالیک به شماره پلاک ۹۹۵۸۷ سری ۳۳ اروند به شماره شاسی WBAJA7C32HG904271 به شماره موتور B46B20B10819908 سیلندر ۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب علی قاسمی** فرزند جمشید به شماره شناسنامه ۰۴۴۰۵۵۲۴۳۵ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی معماری صادره از واحد دانشگاهی آزاد واحد تهران جنوب با شماره ۱۵۹۹۱۴۱۰۱۷۹۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران خیابان کریم خان زند خیابان ایرانشهر شمالی نبش آذر شهر پلاک ۲۰۹ و یا کد پستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

سند کمپانی **خودرو پژو 405SLX-TU5** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۵۶ - ۱۹۸ س ۹۹ و شماره موتور 164B0219974 و شماره شاسی NAAM31FE3JK722417 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجانب زهرا صافی** فرزند مصطفی به شماره شناسنامه ۴۱۲۹ و کد ملی ۰۰۵۰۱۲۰۰۰۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال دانشگاه به تاریخ ۱۳۷۹/۰۴/۳۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه خیابان صدوقی بلوار وفادار ارسال نماید.

پروانه تردد سالیانه **خودروی سواری تویوتا تیپ پرادو ۲۷۰۰** سی سی مدل ۲۰۱۶ به رنگ سفید متالیک به شماره پلاک ۹۷۵۱۷ سری ۳۳ اروند به شماره شاسی JTECX3FJ2G5006823 به شماره موتور 2TR1722552 سیلندر ۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.